

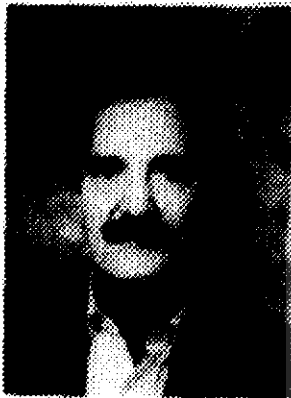
مطبوعات و ...

اشاره‌های گذرا به مجلات

محمد کلین

غیردولتی در ایران

از مجله بهار اعتصام الملك تا بخارای دهباشی



۲۰۳

مجله نگاری ادواری در کشور ما نزدیک به یکصد سال عمر دارد. مجلات علمی - ادبی و تاریخی که بصورت ماهانه انتشار می‌یافته‌اند. مجلاتی چون مجله بهار اعتصام الملك مجله علمی دکتر محمد مصدق و دوستان او، دانشکده بهار - ارمغان - آینده - مهر - سخن - یغما و غیره. تا جایی که نگارنده دیده‌ام نخستین مجله ادواری را یوسف اعتصام الملك در سال ۱۳۲۸ هجری برابر ۱۲۸۸ شمسی در تهران منتشر کرد. و بار دیگر همین مجله را فرزند او تجدید چاپ کرد. اعتصام الملك در مجله بهار نسبت به شناخت بزرگان جهان اقدام کرد و ترجمه داستانهای کوتاه را او به چاپ رسانید. پس از مجله بهار، دکتر محمد مصدق و دوستانش مجله علمی را منتشر کردند. مجله علمی در سال ۱۲۹۳ هجری زیر نظر هیأتی که عبارتند از دکتر مصدق - محمدعلی مافی (سالار معظم) - یحیی قراکوزلو (اعتمادالدوله) - امیر بهام الدین غفاری - فیروز، نصرت‌الدوله - صالح لقمان، انتشار یافت و در صفحه آخر آن آمده از طرف هیئت مدیره حسین طهرانی که شاید برادر دکتر مصدق باشد؟؟ مجله علمی که مطالب آن تاریخی طبی و اجتماعی است در فاصله یک سال در مجموع ۱۰ شماره انتشار یافته و نمیدانم دنباله داشته است یا نه؟

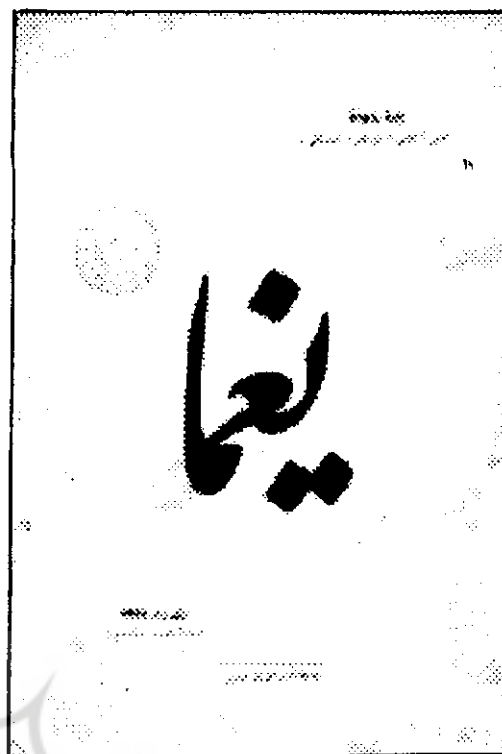
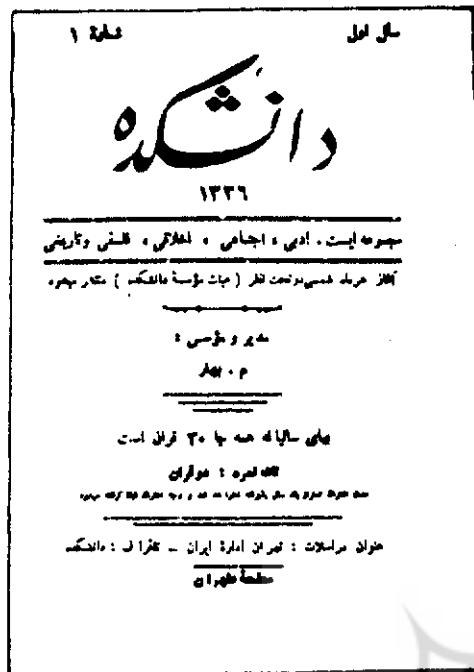
بعد از مجله علمی ظاهراً زنده یاد ملک‌الشعرا بهار مجله دانشکده را در تهران منتشر

کرد. این مجله یکی از مجلاتی بود که تأثیر شگرفی در زمینه شناخت ادب و فرهنگ ایران داشت و نسل کهن و نو هر دو خواننده این مجله بودند، بطوری که خیلی زود جای خود را در میان قشر کتابخوان کشور باز کرد و مقالات آن جوانان را به درست اندیشیدن واداشت متأسفانه بیش از یکسال انتشارش دوام نیاورد و بعد از نشر شماره ۱۱-۱۲ آن که در برج ثور ۱۲۹۸ انتشار یافت تعطیل شد.

مجله دیگری که در سال ۱۲۹۸ هـ ق انتشار یافت مجله ارمغان بود این مجله را زنده یاد وحید دستگردی اصفهانی در تهران منتشر کرد. ارمغان فریب ۲۲ سال در دوران حیات وحید انتشار یافت و بعد از مرگ استاد فرزندش محمود وحیدزاده آن را منتشر می کرد. چاپهای اولیه ارمغان را وحید با سختی و کاغذ متوسط منتشر می کرد اما در چاپهای دوم آن صورت بهتری بخود گرفت. مجله ارمغان چون داخل سیاست نبود در دوران رضا شاهی هم انتشار یافت. وحید در مجله ارمغان به پاسداری از زبان و فرهنگ ایرانی می پرداخت و نسبت به چاپ و نشر آثار گذشتگان و معاصرانش سعی بلیغ داشت.

بعد از مجله ارمغان نخستین مجله فصلی ایران مجله علوم مالیه و اقتصاد انتشار یافت. شماره اول سال تاریخ نشر ندارد و شماره دوم سال اول آن در جوزای ۱۳۰۳ منتشر گردیده است. موسس این مجله ثقه الدوله و مدیر سال اول آن افخم السلطان است. سال دوم این مجله دو شماره در یک شماره انتشار یافته که تاریخ نشر آن جوزای ۱۳۰۳ ش است. در مقدمه این شماره آمده که: «در نظر داریم از این به بعد هر دو ماه یک شماره منتشر کنیم. که گمان دارم احتمالاً دیگر انتشار نیافته است. و اگر شماره دیگری از آن منتشر کرده اند نگارنده این سطور اطلاعی ندارد. شماره اول و دوم سال دوم مجله علوم مالیه و اقتصاد به مدیریت میر محمد حسین خان حسابی با یک ضمیمه منتشر شده است جزوه ضمیمه این شماره به قطع کوچک روی کاغذ روزنامه به چاپ رسیده و در بردارنده شرح احوال میرزا محمد خان قزوینی - محمد علی فروغی - فرانک هوگرو و کلنل دومکرمک است. این مجله نخستین مجله ای است که با کاغذ اعلا و چاپ خوب در ایران انتشار یافته است.

بعد از مجله علوم مالیه و اقتصاد دکتر محمود افشار در سال ۱۳۰۴ ش نخستین شماره مجله آینده را منتشر کرد. مجله آینده بعد مجله علوم مالیه و اقتصاد از نظر محتوا - مطالب - کاغذ و شیوه چاپ بهترین مجله ای بود که تا آن زمان در ایران انتشار یافته بود. شیوه چاپ سال اول و دوم مجله دکتر افشار طوری بود که خواننده گمان میکرد این مجله در



یکی از چاپخانه‌های کشور آلمان به چاپ رسیده است. سال اول و دوم آینده از تیر ماه ۱۳۰۴ تا اسفند ۱۳۰۶ در مجموع دو سال و هر سال ۱۲ شماره انتشار یافت و با مسافرت مدیر آن مجله تعطیل شد. اما نه برای همیشه. بار دیگر دکتر افشار سال سوم آینده را در مهر ماه ۱۳۲۳ ش منتشر کرد که تا اسفند ۱۳۲۴ در مجموع (سال سوم)، ۱۶ شماره انتشار یافت و باز موقت تعطیل شد. سال چهارم آینده در مهر ماه ۱۳۳۸ تا اردیبهشت ۱۳۳۹ در مجموع شش (۶) شماره انتشار یافت و دیگر خود دکتر افشار دست به نشر مجله آینده نزد. سال پنجم آینده به مدیریت استاد گرامی جناب ایرج افشار منتشر شد که شرح آن بعداً خواهد آمد. یکی از خوشبختی‌های دکتر محمود افشار در کار نشر مجله آینده این بود که بهترین نویسندگان شناخته شده با او همکاری می‌کردند که همه و همه آنان از نامداران زمان خود بودند از جمله: دکتر محمد مصدق - محمود پهلوی (محمود محمود بعدی) محمود عرفان، عباس اقبال آشتیانی - ملک الشعراء بهار - بدیع الزمان فروزانفر - سید حسن تقی‌زاده - داور - علی دشتی - عیسی صدیق - سید احمد کسروی - سعید نفیسی و ثوق الدوله و امثالهم - چون همه همکاران دکتر افشار از نخبگان بودند. هر مطلبی از آن بزرگواران به دست مدیر آینده می‌رسید با کمال میل و با بهترین اسلوب به چاپ می‌رسانید و غم درستی و نادرستی مطالب رسیده را نداشت. از این روی بود که

اول مجله‌اش را به بهترین اسلوب چاپ و منتشر می‌کرد.

قبل از مجله آینده زنده یاد ملک الشعراء را بهار نوبهار هفتگی را در سال ۱۳۰۰ - ۱۳۰۱ ش منتشر کرد که در اندازه‌ای بزرگتر از رحلی بود و یکی از نشریه‌های خوبی بود که در دهه اول سال ۱۳۰۰ انتشار یافت. همکاران - بهار در کار نشر نوبهار هفتگی - رشید یاسمی - سعید نفیسی - سید احمد کسروی و الفت و دیگران بودند. مطالب بسیار خوبی در نوبهار هفتگی به چاپ رسیده بعد از نوبهار هفتگی - فرخی یزدی در نظر گرفت مقالات ادبی و علمی رسیده به دفتر طوفان را بصورت آبرومند و شایسته‌ای که ماندگار باشد به چاپ برساند - چون خود گرفتار کار طوفان بود از عهده این مهم بر نمی‌آمد بناچار زنده یاد ملک الشعراء بهار و سید فخرالدین شادمان دست فرخی یزدی را گرفتند و فرخی دو دوره طوفان هفتگی را به اندازه نوبهار هفتگی البته با کاغذ بهتری به چاپ رسانید - نخستین شماره طوفان هفتگی در سال ۱۳۰۶ ش منتشر شد. و دوره اول آن ۱۸ شماره و دوره دوم آن ۲۱ شماره در مجموع ۴۱ شماره منتشر شده است. بعد از طوفان هفتگی مجلات دیگری طلوع کرد مانند تقدم زیر نظر احمد و عبدالرحمن فرامرزی که از شهریور ۱۳۰۶ تا فروردین ۱۳۰۸ ش در مجموع ۱۱ شماره انتشار یافت و مطالب آن بیشتر اجتماعی و سیاسی است.

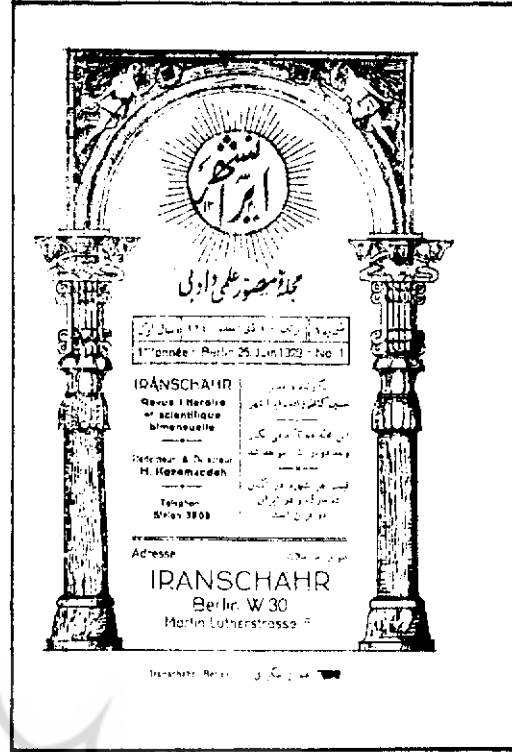
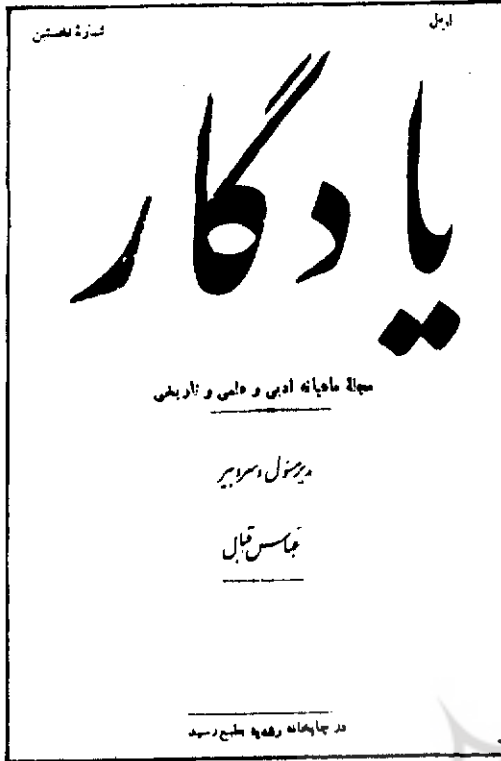
۳۰۶

سپیده دم: دکتر لطفعلی صورتگر مجله سپیده دم را در شیراز از ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ در مجموع ۸ شماره انتشار داد. چاپ مجله سپیده دم سنگی است.

شرق: شرق را محمد رضانی در سه مرحله در مجموع ۱۴ شماره انتشار داد و یکی از محلات خوب بود

در این سالها مجلات دیگری چون دنیا به مدیریت دکتر ادرانی و راه نو حجاری نیز انتشار یافت. آرمان به مدیریت دکتر شیراز پور پرتو (آذر ۱۳۰۹ تا شهریور ۱۳۱۰ ش) مجموعاً ۱۰ شماره انتشار یافته است در این مجله انتقادهای استاد بهار و سید احمد کسروی به چاپ رسیده است نامه تمدن به مدیریت ع. تمدن چاپ مشهد (اسفند ۱۳۰۹)، تا بهمن ۱۳۱۰ ش نیز به چاپ رسیده است.

قطع مجله وزیری نیست اما مطالب آن بسیار با ارزش است، در این سالها مجلات دیگری نیز انتشار یافت که پرداختن به یکایک آن مجلات از حوصله این مختصر بیرون است. مانند دو شماره دانشنامه - جلوه - جهان نو مقصود ما در این نوشتار مجلاتی است که تاثیر به سزائی در پیشرفت اندیشه و آگاهی به فرهنگ ایران در آنها بود بعد از مجلاتی که به برخی از آنها اشاره شد در سال ۱۳۱۲ ش مجید موقر دست به چاپ و نشر مجله

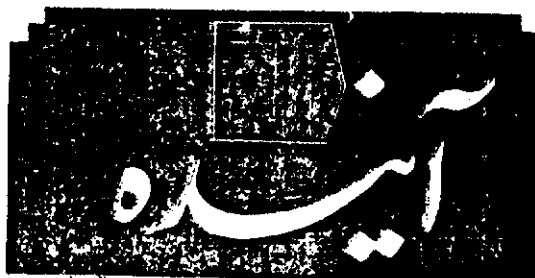


مهر زد. مجله مهر که پا جا پای دو سال اول مجله آینده گذاشته بود خدمات ارزنده‌ای به شناخت ادب و تاریخ ایران کرد. مجله مهر با کاغذ اعلا و چاپ مرغوب خوب و کم غلط به چاپ می‌رسید. همکاران مجید موقرنیز در آن ایام همه از بزرگان فرهنگ ایران بودند. در مجله مهر بررسی مسائل لغوی مسائل تاریخی، ادبی و نشر شعر مقام والائی داشت. در هر شماره چند قصیده و شعر خوب از درگذشتگان و معاصران معروف به چاپ می‌رسید. سال دوم این مجله مصادف بود با برگزاری کنگره هزاره حکیم طوس حکیم ابوالقاسم فردوسی و افتتاح ساختمان آرامگاه آن حکیم. تقریباً سال دوم مجله مهر وقف انتشار مطالبی بود که درباره کنگره حکیم طوس نوشته می‌شد. شماره ۵ و ۶ سال دوم این سال به عنوان هزاره فردوسی جز و مجله و به صورت آبرومندی جداگانه انتشار یافت. این خدمت مجید موقر هیچگاه از یاد دوستداران حکیم طوس و دوستداران فرهنگ ایران نخواهد رفت. سعید نفیسی قسمتی از آثار کمشده بیهقی دبیر را در این مجله منتشر کرد. مجید موقر در مجله‌اش دست به کار بی سابقه‌ای زد که تقریباً در ایران سابقه نداشت در هر شماره چند نقوش از ساختمان عالی قاپوی اصفهان کاشیهای مسجد امام (شاه سابق) و تصاویری چند از کارهای قلمی استاد کمال الملک و ملک الشعراء صبا و دیگران را به صورت لت در روی کاغذ کلاسه چاپ میکرد و به خوانندگان

مجله‌اش هدیه میداد.

مجله مهر قریب ۱۳ سال انتشار یافت. هشت سال اولیه‌اش از نظر مطلب، کاغذ، چاپ در کشور کم‌نذیر یا بی‌نذیر بود. ۵ - ۶ سال پایانی آن را به هیچ وجه نمی‌توان در شماره ۸ سال اول آن به حساب آورد. ایران امروز از سال ۱۳۱۵ - ۱۳۲۱ ش مجله‌ای بود به قطع بزرگ که با عنوان ایران امروز در تهران انتشار یافت که سردبیر آن محمد حجازی (مطیع الدوله) است. این مجله ۳ سال هر سال ۱۲ شماره و یک شماره از سال چهارم آن انتشار یافته است. مجله ایران امروز میدانم شخصی بوده یا به دولت یا موسسه‌ای بستگی داشته است. ایران امروز مجله‌ای است از نظر مطلب پر بار محققان و دانشمندان صاحب نظری با این مجله همکاری داشته‌اند از آن جمله یکی از زنان فاصله کشور دکتر فاطمه سیاح در هر شماره این مجله مقاله و نوشته‌ای درباره مقام زنان دارد. که بسیار ارزنده است. همچنین مطالبی درباره آثار عتیقه در آن به چاپ رسیده که همه خواندنی و ماندنی است. تصاویری از برخی از نقاط کشور در این مجله به چاپ رسیده که در ایران برای اولین مرتبه خوانندگان با آن مطالب و تصاویر آشنا می‌شوند.

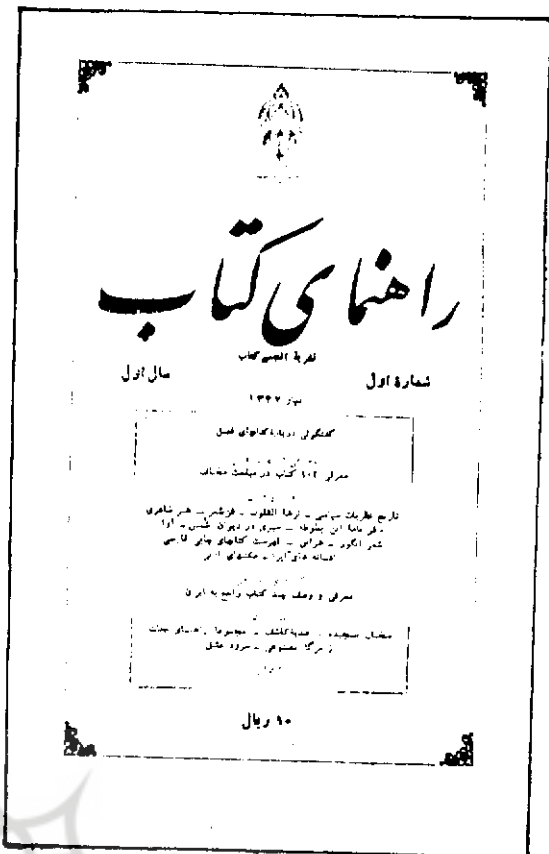
بعد از ایران امروز استاد محیط طباطبائی مجله محیط را در تهران منتشر کرد سال اول ۳ شماره (شهریور تا آبان ۱۳۲۱ ش) و سال دوم ۱۴ شماره به قطع بزرگتر به صورت هفتگی (از شهریور تا آذر ۱۳۲۶ ش) بعد از مجله ایران امروز و محیط باید نامی از مجله سخن دکتر صفا و دکتر پرویز خانلری به میان بیاورم. مجله سخن علاوه بر تحقیقات مستدل و جامعی که درباره فرهنگ ایران داشت. مجله‌ای بود که سعی میکرد پلی باشد میان فرهنگ ایران و اروپا که از عهده نقش خود به خوبی بر آمد. سالهای اول تا سوم آن در حقیقت پر از مطالب مهم درباره ایران و فرهنگ ایران است. مجله سخن در سالهای اولیه همکاری داشت چون صادق هدایت - ملک الشعراء بهار - شهید نوری و بسیاری از بزرگان اهل علم و قلم - مجله سخن قریب ۲۵ سال منتشر شد و ده سال اولیه‌اش که بسیار کم یاب بود تجدید چاپ شد. جا دارد یکی از شاگردان دکتر خانلری که کم نیستند فهرست کاملی از مجله سخن را تدوین کنند. در مجله سخن به ادبیات عامه و کودکان توجه مخصوصی می‌شد - و بزرگانی چون دکتر محمد جعفر محجوب زنده یاد استاد پروین گنابادی به این مهم می‌پرداختند. مجله سخن نقش به سزائی در پیشرفت داستان نویسی ایران داشت. داستانهای کوتاه و قصه‌های نویسندگان جوان را که ارزش چاپ داشت چاپ می‌کرد. و به آنها میدان رشد میداد. بعد از مجله سخن باید از مجله گرانقدر یادگار عباس اقبال آشتیانی ذکری به میان بیاورم. عباس اقبال آشتیانی عاشق ایران و



فروردین - خرداد ۱۳۶۶
مجله فرهنگ و تحقيقات ایرانی
تاریخ، ادبیات و کتاب
سال سیزدهم
شماره ۱



(عقلا به عباس خود دیده شد)



راهنمای کتاب

شماره اول
مهر ۱۳۳۷
سال اول

مکتوبی در باب کتابخانه‌های علم
مهر ۱۳۳۷ کتاب درسیست کتاب
تاریخ ایران بهاس - رضا القلوب - فرهنگ - هنر نامی
فرمان آن بزرگوار - سید در بیان کتاب - او
شعر انور - برای - فهرست کتابهای چاپی
کتابخانه‌های ایران - مکتوبی در
مهری و وصف چند کتاب ازجمله ایران
مجلس سیزدهم - جنبه‌های علمی - اجتماعی - سیاسی
از بزرگان مکتوبی - سوره مطبوعه
۱۳۳۷

۱۰ ریال

فرهنگ ایران بود. هر کاری درباره ایران و سربلندی نام ایرانی انجام داد بی نذیر بود عباس اقبال نخستین شماره مجله یادگار را در شهریور سال ۱۳۲۳ ش منتشر کرد این مجله در مجموع ۵ سال و هر سال ۱۰ شماره منتشر شده است. خدمات عباس اقبال آشتیانی یکی و دو تا نیست مجله، یادگار مشحون از مقالات ارزنده‌ای است که اقبال و همکاران او درباره ایران و مسائل ایرانی نوشته‌اند. یکی از افرادی که به اقبال و مجله او اعتقاد تام داشت زنده یاد علامه محمد قزوینی بود که نیز با مجله یادگار هم همکاری داشت. آخرین شماره مجله یادگار در خرداد ۱۳۲۸ ش منتشر شد و نگذاشتند که اقبال کار خود را دنبال کند. عباس اقبال آشتیانی بعد از مجله یادگار قریب ۴ - ۵ سال با مجله اطلاعات ماهیانه همکاری داشت و مقالات و نوشته‌های خود را در این مجله به چاپ می‌رسانید. اطلاعات ماهیانه قریب ۱۱ سال منتشر شده است. بعد از مجله یادگار باید نامی از یکی از بهترین نگاران ایران زنده یاد حبیب یغمائی به میان آورد حبیب یکی از خدمتگزاران و نام آوران فرهنگ ایران است حبیب دست پروده زنده یاد محمدعلی فروغی و استاد ملک الشعراء بهار است. این دو دانشمند و استاد فرزانه هر دو به حبیب به چشم احترام می‌نگریستند و او را برمی‌کشیدند بخصوص فروغی که حبیب سالها حکم دستیار او را داشت و حبیب در بیشتر کارهای فروغی نقش روشنی دارد.

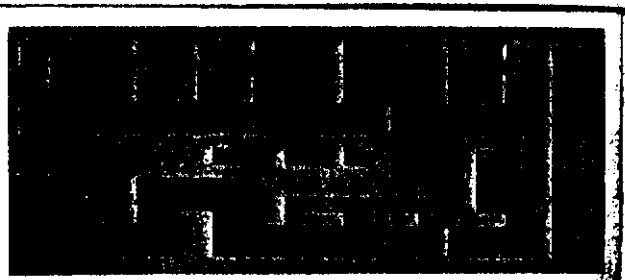
حبیب یغمائی مدتی روزنامه‌ای منتشر کرد به عنوان یغما به اندازهٔ رحلی اما این روزنامه او را راضی نمی‌کرد او به یکباره دست از روزنامه نگاری کشید و در سال ۱۳۲۷ مجلهٔ یغما را منتشر کرد حبیب شاعری توانا نویسنده‌ای چیره دست بود نظم و نثر او هر دو دل‌پذیر و ماندگار است. در کار مجله نگاری بسیار هوشیار بود هر مطلبی را چاپ نمی‌کرد و تن به هر سفارش و گفته‌ای نمی‌داد. حبیب قریب ۳۱ سال مجله یغما را منتشر کرد و گنجینه‌ای گرانبها از خود بیادگار گذارد. یغما دو بار تجدید چاپ شد و امروز باز کمیاب است. برای مجلهٔ یغما دو فهرست موضوعی تدوین کرده‌اند که یکی از آنها چاپ شده و یکی که کاملتر و جامعتر است هنوز انتشار نیافته است. یغمائی ۳۱ سال مجلهٔ یغما را منتشر کرد و سعی می‌کرد روز اول هر ماه مجله‌اش منتشر شود. یغما بصورت ماهانه انتشار می‌یافت و سالی ۱۲ شماره منتشر می‌شد. اگر هر سالی یغما ۱۲ شماره منتشر نمی‌نشده او کتابی یا رساله‌ای را به جای شماره ۱۱ - ۱۲ خود انتشار میداد. زنده یاد یغمائی در انتخاب مطلب سختگیر بود اگر مقاله‌ای یا مطلبی را نمی‌پسندید زیر بار سفارش و توصیهٔ کسی نمی‌رفت و آن مقاله را چاپ نمی‌کرد و اگر مقاله‌ای یا نوشته‌ای به دست او می‌رسید که مطلب آن ارزنده بود اما از نظر تحریر و تنظیم، نویسنده لغزشی داشت خود با کمال بزرگواری آن مقاله را ویراستاری می‌کرد و نسبت به چاپ آن اقدام می‌فرمود. یغمائی اگر هنگام چاپ مجلهٔ یغما در تهران نبود سرپرستی مجله‌اش را به مردی کاردان می‌سپرد و اجازه نمی‌داد روال کارش نقصان پذیرد. کسانی که به یغمائی ارادت بسیار داشتند و دست او را در کار مجلهٔ یغما می‌گرفتند تا جایی که بیاد می‌آورم - استادگرامی جناب ایرج افشار - دکتر باستانی پاریزی، برادرش اقبال یغمائی و... بودند. بعد از مجلهٔ یغما باید یاد از مجلهٔ دانش به میان بیاورم. مجله دانش را نورالله ایران پرست منتشر کرد و قریب سه سال از فروردین ۱۳۲۸ - شهریور ۱۳۳۴ در مجموع ۳۶ شماره انتشار یافت ایران پرست در کار مجله نگاری راه یغمائی را دنبال کرد. در مجله دانش مطالب بزرگانی چون علامهٔ دهخدا - بهار - معین و امثالهم به چاپ می‌رسید. بعد از مجلهٔ یغما خلیل ملکی مجلهٔ علم و زندگی را در تهران منتشر کرد که از دیماه ۱۳۳۰ تا تیر ماه ۱۳۳۲ ش سال اول ۱۰ شماره و سال دوم چهار شماره انتشار یافت این مجله ناشر اندیشه و افکار خلیل ملکی و دوستان او بود که خوانندگان مخصوص به خودش را داشت بعد از مجلهٔ علم و زندگی جناب ایرج افشار و دوستانش مجلهٔ فرهنگ ایران زمین را در تهران منتشر کردند. مجلهٔ فرهنگ ایران زمین به تعداد محدودی چاپ می‌شد و هنوز نیز منتشر می‌شود. مجلهٔ فرهنگ ایران زمین بسیاری از رسالات و اسناد مهم کشور

سخن

مجله ادبیات و دانش و هنر امروز

شماره این شماره

پیشگامان فرهنگ ایران: ایرج میرزا، سید جمال الدین، آقا - احمد جباری
سید محمد تقی، آقاخان خاتمی - پرویز کمالی خاتمی
سید محمد تقی، سید علی میرزا - سید محمد تقی
سید محمد تقی، سید علی میرزا - سید محمد تقی



ب. الهی
و. س. پرچت
د. دی پرما
آ. دوپر
ای. ف. -
ستر اوینسکی
آ. کتلر
ه. گرسیوز
س. نی. یونگ
پ. واین
ذ. ونوقی
آ. هانا
ف. هلدلین
ه. هنتف



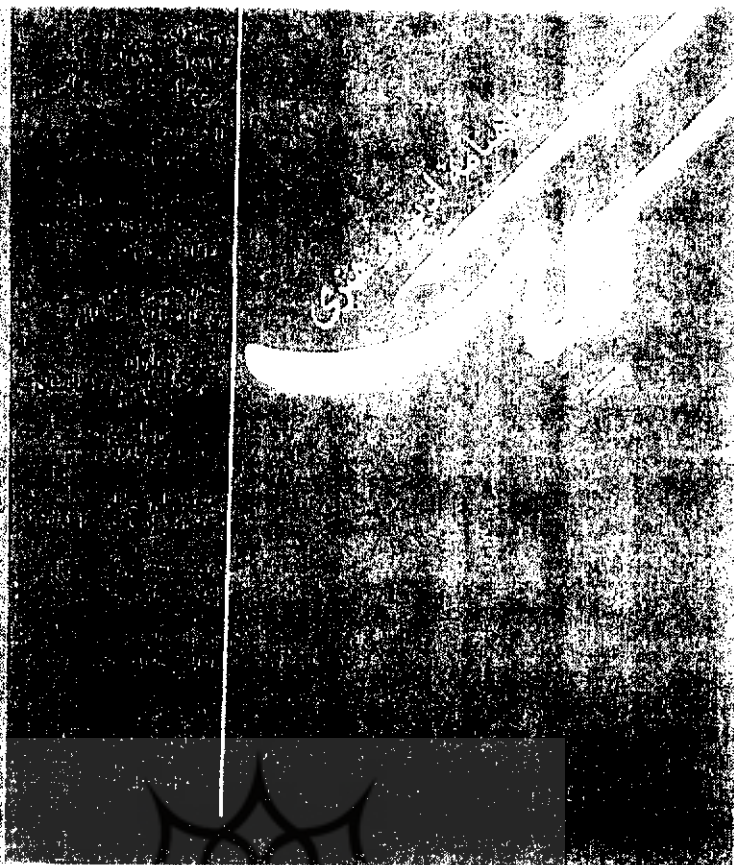
نگاره‌ای از کار و هنر سائین

را از نابودی نجات داد خدمت جناب افشار و دوستانش را نمی‌شود در این مورد با چند سطر و چند صفحه باز سناسانید. مجله فرهنگ ایران زمین به صورت فصلنامه هر سه ماه یک شماره منتشر می‌شد. بنیادگذاران و همکاران آقای افشار در نشر فرهنگ ایران زمین بزرگانی بودند چون زنده یاد محمدتقی دانش پرژوه، زنده یاد عباس زریاب خوئی - مصطفی مقربی و جناب دکتر منوچهر ستوده که خداوند او را سلامت بدارد. بعد از فرهنگ ایران زمین مجلات دیگری چون فرهنگ جهان - فرهنگ نو نیز انتشار یافتند.

در ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ مجلات دیگری نیز انتشار یافت از جمله مجله صدف که در سال ۱۳۳۶ در مجموع یکسال منتشر شد و بعد از شماره ۱۲ تعطیل شد. همچنین مجله توشه که به مدیریت ادوارد ژزف و میهن قاسملو در سال ۱۳۳۷ قریب یکسال ۱۱ شماره انتشار یافت و آن نیز انتشارش ادامه نیافت.

بعد از مجلات مذکور مجله‌ای در آن ایام پایه عرضه ظهور گذاشت که جای آن در فرهنگ ایران واقعاً خالی بود این مجله راهنمای کتاب بود که در سال ۱۳۳۷ نخستین شماره‌اش انتشار یافت. سال اول آن ۴ شماره و سال دوم آن ۵ شماره بود که در سال ۱۳۳۸ بیازار نشر آمد. مجله راهنمای کتاب خیلی زود جای خود را در میان قشر کتابخوان باز کرد. زیرا اولین مجله‌ای بود که در آن اوقات به مسائل کتاب و فهرست

کتابهای چاپ شده می‌پرداخت. در مجله راهنمای کتاب درباره بسیاری از کتابهای منتشر شد. اظهار نظر سازنده می‌شد درباره مسائل کتاب و نشر مصاحبه‌هایی انجام می‌گرفت که تا آن زمان بی سابقه بود مجله راهنمای کتاب ۲۱ سال انتشار یافت اما به سبب مشغله بسیار، مدیرش جناب ایرج افشار از روند یکسان برخوردار نبود بعضی از سالها چند شماره و برخی از سالهای دیگر ۱۲ شماره در ۴ شماره منتشر می‌گردید. راهنمای کتاب نقش سازنده‌ای در فرهنگ و ادب نوین ایران ایفا کرد. روزی که فهرست کامل توصیفی این مجله منتشر شود معلوم خواهد شد که دست اندرکاران این مجله چه خدمتی را با نشر این مجله به فرهنگ ایران کرده‌اند. استاد گرامی جناب ایرج افشار پس از تعطیل مجله راهنمای کتاب اندیشه مجله نگاری را از سر بیرون نکرد و در فروردین ماه سال ۱۳۵۸ ش نخستین شماره مجله آینده را که اولین شماره سال پنجم مجله آینده بود که بنیادگذار آن زنده یاد پدرش دکتر محمود افشار یزدی بود (و در سر آغاز این مختصر به آن اشاره شد) منتشر کرد. مجله آینده از سال ۵ تا سال ۱۹-۱۵ سال به مدیریت جناب افشار انتشار یافت و در سال ۱۳۷۲ تعطیل شد. نشر مجله آینده حاصل سالها تجربه و مجله نگاری آقای افشار است تا کسی این مجله را به درستی بررسی نکند و مجموعه مطالب آن را از نظر نگذراند نمی‌تواند به ارزش همه جانبه این مجله و قوف کامل یا بد. من که چند سالی است این مجله را زیر نظر دارم میدانم که جناب افشار در سر این مجله که خود دایرةالمعارفی است چه مایه رنج و تلاشی را تحمل کرده است. مجله آینده را هر وقت به منزل می‌آوردم زنده یاد همسرم با نوازشیه دانشجویان (گلبن) مجال خواندن آن را به من نمی‌گذاشت و از آغاز تا پایان هر شماره‌اش را به دقت می‌خواند و برخی از مقالات آن را تا دو سه مرتبه می‌خواند و در میان اوراق آن یادداشتی برای من می‌نوشت که محمد فلان مقاله آینده را بخوان و به دقت بخوان. آن مرحومه به اندازه‌ای شیفته مطالب مجله آینده بود که تصمیم گرفت فهرست مطالب آن را فراهم آورد و فهرست ۷ سال اول آینده را به صورت فهرست دهاله راهنمای کتاب رده ساله اول سخن فراهم کرد. اما چون بیمار بود و دکتر اجازه کار بیشتر به او نمی‌داد از سال ۱۳۷۶ من دیگر اجازه ندادم این کار را دنبال کند و پس از مرگ او خودم این فهرست را بصورت توصیفی یا چکیده نگاری انجام دادم که فیش برداری آن فریب یکسال است پایان رسیده و اینک با دستیاری همکار عزیزم آقای فرامرز طالبی مشغول موضوعی کردن و تدوین فهرست آینده هستم و امیدوارم این فهرست تا اواخر پاییز امسال زیر چاپ برود. اینک می‌پردازیم به مجله کلک و بخارای جناب علی دهباشی.



دوست بزرگوار و پرتلاش من جناب علی دهباشی بیش از ده سال در سر انتشار مجله کلک جان کند و حالا نیز بر سر تهیه و تدوین و نشر مجله بخارا جان می کند. و جا دارد که به او بگویم

از سر خط «کلک» تا «بخارا» رفتی ره سخت و دراز بود و تنها رفتی
این راه تو راه عاشقی بود که تو تا قله قاف همچو عنقا رفتی
وقتی که دهباشی عزیز وارد عرصه مجله نگاری شد. حاصل کار و تجربه مجله نگاران بسیاری از سلف خویش را پیش روی داشت. از مجموعه مجلاتی که به سرنوشت آنها اشاره شد تنها مجله ای را که می توان با اندکی تفاوت با مجله کلک و بخارا همردیف دانست مجله سخن و ۱۵ سال آخر مجله آینده است.

در آن هنگام که جناب دهباشی دست به کار نشر مجله کلک زد، همه گفتیم او دل و جرئت فوق العاده ای دارد. چرا که در آن ایام کار نشر چنین مجله ای با آن قطر و آن همه مطلب کار ساده ای نبود. محلات دیگر تعطیل شده بودند و آنان که سالها تجربه در این راه داشتند نمی دانستند که چه خواهد شد و چه باید بکنند. دهباشی اولین شماره مجله کلک را در فروردین ماه ۱۳۶۹ ش منتشر کرد. وقتی اولین شماره مجله او روی پیشخوان دکه روزنامه فروشها خودنمایی کرد، خیلی ها به جرئت و همت او آفرین گفتند. او مجله

کلیک را تا ۹۴ شماره انتشار داد و مشکلات همه جانبه‌اش او را بر سر خوان بخارا نشاناند اما به مسؤولیت بیشتری. مشکلات این مرد پرتلاش در سرآغاز نشر مجله کلیک یکی و دو تا نبود که اگر یکی از آن مشکلات را بر طرف کند مشکل دیگری فراراه او سبز نشود. در آن اوقات هر مطلبی را به سادگی نمی‌شد چاپ کرد. دهباشی در آن ایام با همه نویسندگانی که امروز با او همکاری می‌کنند آشنائی درست نداشت. از این روی هر نوشته‌ای که از هر نویسنده‌ای برای او می‌رسید یک اما بدنبال داشت. و انتخاب و چاپ آن مطلب کار ساده‌ای نبود بخصوص برای جناب دهباشی که در نظر داشت پلی باشد برای ارتباط میان نویسندگان و خوانندگانی که در ایران و خارج از ایران نویسنده و خواننده مجله او بودند.

در آن ایام هر مطلبی که به دست دهباشی می‌رسید باید چند مرتبه سبک و سنگین کند در اطراف نویسنده تحقیق کند که نشر نوشته او از نظر زمانی مشکل آفرین نباشد و از این دست صدها اگر و مگر دیگر. اما او دل به دریا زد و صداقت را سرمایه همیشگی کار و راه خود قرار داد. او تنها نظرش به شناخت ایران و مسائل مربوط به ایران بود. سعی میکرد هر مطلبی که جنبه ایرانیش بیشتر باشد زودتر چاپ و نشر شود. به آثار نویسندگانی بیشتر توجه می‌کرد که دنبال مسائل ایران و ایرانی بودند برای صحت این نظر نگاه کنید به مجلات کلیک و بخارا.

دهباشی عزیز در سر نشر مجله کلیک و بخارا همه هستی خود را از دست داد. علی دهباشی سرمایه‌دار نیست که وقتی می‌گوئیم او همه هستی خود را از دست داد توجه خوانندگان بخارا به ثروت او معطوف شود. همه هستی این مرد سلامتی او بود که در اثر کار زیاد و بی‌خوابی مدام، به خطر افتاد. هنگامی که دهباشی دست به نشر مجله کلیک زد جوانی بود چالاک، پرتوش و توان که هر کجا او را می‌دید با یک کیف هموزن خودش که در آن مطالب و کتاب مربوط به مجله کلیک بود و با خودش در حرکت بود. اما امروز این علی آن علی نیست تنها علی مانده و حوضش. چرا که او امروز نمی‌تواند همه جا برود. نمی‌تواند همه جا بنشیند نمی‌تواند در هر محفلی حاضر شود زیرا نفس او قدرت و تحمل همه‌گونه هوائی را ندارد. کارنامه دهباشی به حقیقت یک کارنامه درخشان است. آری این کارنامه درخشان به آسانی به دست نیامده است این کارنامه درخشان او حاصل ده سال کار مدام و زائیده رنجی است که در اثر کار زیاد بدست آمده است. رنجی و زحمتی را که دهباشی در ده سال گذشته تحمل کرده از قدرت و تحمل یک آدم عادی خارج است. گذشته از کار جانکاه شبانه‌روزی او در سر کار مجله کلیک و بخارا به

زحمات دیگر این مرد اشاره نمی‌کنم چرا که مسؤلیت‌پذیری او یکی و دو تا نیست. تنها کافی است بعد از زحمات او دربارهٔ مجلهٔ کلک و بخارا یک نفر در ظرف دو ماه مطالب یک شمارهٔ کلک یا بخارا را با آن همه خطوط مخلوط که به دست او می‌رسد بخواند و مطالب درست را از نادرست تمیز بدهد. تا چه رسد به این که دهباشی هم مطلب مجله را می‌خواند انتخاب می‌کند پس از حروف چینی غلط‌گیری می‌کند و برای چاپ به چاپخانه می‌فرستد تازه این اول درد و پیاله است. اینجاست که باید در غم فراهم آمدن کاغذ باشد به صحافی فکر کند. پخش مجله و مشترکان را برسد. از کار مجلهٔ کلک و بخارا که بگذریم به دهباشی محقق و پرکار برمی‌خوریم او در ده سالهٔ گذشته تعدادی کتاب دربارهٔ برخی از بزرگان کشور تألیف و تدوین و چاپ کرده است که هر یک از آنها امروزه روز کاری است کارستان. کتابهایی را که دهباشی به عنوان جشن‌نامه - یادنامه - خاطرات - بزرگداشت‌نامه به بازار نشر فرستاده همه و همه خواندنی و ماندنی است.

برگردیم باز به کارنامهٔ مجله نگاری او اگر به کارنامهٔ او در مجلهٔ کلک و بخارا نگاه کنیم در حقیقت مطالب سست و کم ارزش کم چاپ کرده است. تنها قسمتی را که میتوان در مجلهٔ کلک و بخارا روی آن انگشت گذاشت قسمت شعر هر دو مجله است که شعر خوب بسیار چاپ کرده و نیز چاپ می‌کند و شعر «موسوم به پست مدرن» هم به وسیلهٔ بعضی افراد که گاهی به آنها «آوانگارد» هم می‌گویند به چاپ میرسد. شاید امروز خود جناب دهباشی هم از قسمت شعر هر دو مجله‌اش رضایت نداشته باشد. دهباشی در مجلهٔ کلک و بخارا با برخی از بزرگان مصاحبه‌هایی انجام داد که خیلی لازم و بجا بود چرا که بسیاری از آنها سالها بود که از همهٔ مراحل فرهنگ دور بودند. او در کلک و بخارا با برخی از بزرگان باب مصاحبه باز کرد که امروز دیگر در میان ما نیستند. و این خود در این جاست که ارزش کار او معلوم می‌شود.

گذشته از کارهای سودمندی که در کلک انجام داد در مجله بخارا نیز دست به کارهایی تازه‌ای زد که سابقه نداشت و ماندگار است.

از آن میان می‌توان در بخارا به قسمت‌های ویژه‌ای اشاره کرد که از اولین شماره‌های بخارا به آنها دست زد. مانند «تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی» نوشته جناب ایرج افشار «تداعی معانی» به قلم عمران صلاحی. «سلسله گفت و گوها پیرامون نشر و فرهنگ» که به کوشش جناب عبدالحسین آذرنگ و علی دهباشی و خانم طوبی ساطعی، انجام می‌شود و یکی از کارهای لازم و ماندگاری است که در این رابطه انجام می‌شود. و امروز و فردا هر کس بخواهد درباره یکی از خدمتگزاران نشر به تحقیق پردازد این خود سند زنده‌ای است که بر جای می‌ماند سی سال پیش زنده یاد سیدابوالقاسم انجوی شیرازی قصد این

کار را داشت اما نمیدانیم کاری در این زمینه انجام داد یا نه؟ یا نیز قسمت «روزنامه‌چه مطبوعات» که سیدفرید قاسمی می‌نویسد و خواننده بسیار دارد. یا کار تازه‌ای را که سیدفرید قاسمی و علی دهباشی زیر عنوان «تاریخ شفاهی مطبوعات ایران» از شماره ۱۸ بخارا آغاز کرده‌اند. و ای کاش زودتر دست به این مهم زده بودند. یا بخش نقد و بررسی کتاب فرزانه که بسیار سودمند است و چون مجله در اختیار خوانندگان است از پرداختن به مطالب دیگر در می‌گذریم. راستی اگر به مطالب ذکر شده در تاریخ شفاهی امروز توجهی نمی‌شد شاید هیچ وقت کسی به فکر مکتوب کردن و ثبت کردن آنها نمی‌افتاد و به دست آیندگان هم نمی‌رسید. اگر هنگامی که زنده یاد انجوی شیرازی قصد این مهم را داشت دست به کار شده بود امروز خاطرات صدها ناشر دیگر چون گوهرخانی، طهوری، حاج محمد رضانی و دیگران را در اختیار داشتیم، اما کاری را که انجوی سی سال پیش آرزوی انجام آن را داشت جناب دهباشی و جناب آذرنگ در مجله بخارا به این مهم جامه عمل پوشیدند و اگر فردا کسی بخواهد عبدالرحیم جعفری پدر نشر ایران را بشناسد. مصاحبه زنده او در اختیار است با مراجعه به مجله بخارا از زبان خود جعفری می‌خواند که مؤسسه امیرکبیر با همت و پشت کار عبدالرحیم جعفری چگونه سر و سامان گرفت.

۳۱۶

وقتی حاصل کار علی دهباشی به درستی شناخته می‌شود که فهرست کامل مطالب مجله کلک و بخارا در اختیار خوانندگان قرار گیرد. من به صراحت می‌گویم بسیاری از مجلات فارسی که ما فهرست مطالب آنها را در دست نداریم برای خیلی‌ها ناشناس است. زیرا امروز با این همه مشکلات زندگانی چه کسی حوصله دارد که مجله یادگار عباس اقبال آشتیانی را «صفحه به صفحه ورق بزند و به مطالب آن دسترسی پیدا کند. بهترین راه سود بردن از نشریاتی چون سخن مهر - آینده - کلک و بخارا فراهم آوردن فهرست توصیفی آنهاست. کاش صاحب همتی پیدا شود.

والسلام

۱۳۸۰/۵/۲۷